

تولوع

نویسنده: ژان پل سارتر

مترجم: (فرانسه - انگلیسی): للوید الکساندر

مقدمه: هایدن کاروٹ

مترجم: (انگلیسی - فارسی): بهمن خسروی

ویراستار: حمیده رستمی

سارتر، ژان پل، ۱۹۰۵-۱۹۸۰م. Sartre, Jean Paul

تهوع/ نویسنده ژان پل سارتر؛ مترجم (فرانسه - انگلیسی) للوید الکساندر، مقدمه: هایدن کاروث؛ مترجم (انگلیسی - فارسی) بهمن خسروی؛ ویراستار: حمیده رستمی تهران: نسل نواندیش، ۱۳۸۷
۳۷۲ص

۹۷۸-۹۶۴-۴۱۲-۸۷۲-۱

فیبا

کتاب حاضر از متن انگلیسی تحت عنوان "Nausea, 2007" به فارسی برگردانده شده است.

عنوان اصلی: Nausea

چاپ قبلی: نیلوفر، ۱۳۶۵

داستان‌های فرانسه - قرن ۲۰ م

الکساندر، للوید، ۱۹۲۴-م. Alexander, Lloyd مترجم

کاروث، هایدن، Carruth, Haydn، مقدمه نویسنده

خسروی، بهمن، ۱۳۳۶- مترجم

رستمی، حمیده، ۱۳۳۴- ویراستار

۱۳۸۷ ۴۵ الف / PQ۲۶۲۳

۸۴۳/۹۱۴

۱۲۲۳۹۹۴

مشخصات کتاب

تهوع

مؤلف: ژان پل سارتر

مترجم: بهمن خسروی

ویراستار: حمیده رستمی

حروف چینی و صفحه‌آرایی: الهه ایمنی

بازخوانی نهایی: زهرا صفاری

طراح جلد: مهناز صبور

ناشر: نسل نواندیش

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۳۸۸

قیمت: ۵۷۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۱۲-۸۷۲-۱

ISBN: 978-964-412-872-1

کتاب‌های مورد نیاز خود را از فروشگاه‌های انتشارات نسل نواندیش تهیه فرمایید.

نشانی فروشگاه ۱: میدان ولیعصر - ابتدای کریمخان - پلاک ۳۱۲

نشانی فروشگاه ۲: خ شهید بهشتی (عباس‌آباد) - بعد از میرعماد - برج گلدیش

تلفن: ۸۸۹۴۲۲۴۷-۹ نسل نواندیش

WWW.naslenowandish.com

info@naslenowandish.com

مقدمه

اگزستانسیالیسم مثل فیلی که وارد اتاقی تاریک شود، بر شعور جامعه‌ی امریکا وارد شد؛ بسیاری چیزها شکست و فرو ریخت و مردم امریکا به طور عادی در شناخت اینکه چه وارد شده است، دچار خطا شدند. این دیگر چه بود؟ شاید کامیونی ارتشی یا تانکی از جنگ بر جای مانده. بعد از مدتی چراغ‌های اتاق روشن شد و دیدند که این جانور «فقط» یک فیل است. همه خندیدند و گفتند پس به طور حتم سیرکی از شهر عبور می‌کند. ولی خیر. طولی نکشید معلوم شد این فیل قصد ماندن دارد و بعد وقتی در این امر دقت بیشتری به عمل آمد، مشخص شد که هر چند این جانور عجیب و مهیب موجودی نورسیده است، غریبه نیست و این جامعه از قدیم با آن آشنا بوده است.

اگزستانسیالیسم در سال‌های ۱۹۴۶ و ۱۹۴۷ به جامعه‌ی امریکا معرفی شد. پس از این تاریخ، اگزستانسیالیسم به سرعت کلمه‌ای آشنا شد و دیگر کسی در معنایش سؤالی نکرد. معنایش زندگی دوباره پاگیرنده‌ی بعد از جنگ در کافه‌های سمت چپ رودخانه بود - با مردان جوان لابلایی که شلوارهای جین آغشته به رنگ می‌پوشیدند و دخترانی بدون آرایش که جوراب مشکی نازک به پا می‌کردند، سیگار زیاد می‌کشیدند و خدا می‌داند چه کارهای دیگری که نمی‌کردند. و رهبرشان این پسرک - سارتر - بود که کتاب‌هایی با اسامی زننده‌ای چون «تهوع» یا «مگس‌ها» می‌نوشت. عقل کل‌ها به این نتیجه رسیدند

کہ: چه مزحزفا باید بشود این تفکر را به مثابه هوسی یا شاید فریبی نادیده انگاشت.

در همین زمان، در مراکز دانشگاهی کتاب‌های مربوط به اگزستانسیالیسم، و به خصوص کتاب‌های سارتر، ترجمه و مطالعه می‌شد، و نتیجه‌ی این مطالعات ضربه‌ی عمیقی بود که به نظام فکری آزاداندیشان امریکا وارد می‌آمد. از یک طرف پیروان عقاید فلسفی جدید توماس آلیکناس (Neo- Thomists) و دیگر اخلاقیون از اینکه اگزستانسیالیسم اعتباری بر نظام‌های ارزشی گذشته قایل نبود به هراس آمده بودند و از طرف دیگر مثبت‌گراها (Positivists) و فیلسوفان تحلیلی (Analytical Pholosophers) از اینکه اگزستانسیالیست‌ها حاضر شده بودند بحث‌های عقلانی (rational) را رها کنند و به فرآیند آگاهی غیر عقلانی (Consciousness irrational) بپردازند، برانگیخته شده بودند. حملات وحشیانه‌ی این دو گروه با اشتیاق گروه‌های تازه از راه رسیده‌ی آوانگارد، که اینجا و آنجا پراکنده بودند، به شدت تناقض داشتند. اینکه تازه از راه رسیده‌ها نیز به اندازه‌ی فیلسوفان از واقعیات اگزستانسیالیسم بی‌خبر بودند، کمکی به رفع دعوا نمی‌کرد.

گروهی ادعا می‌کردند که اگزستانسیالیسم نوعی فلسفه است: اگر این ادعا را بپذیریم باید اذعان کنیم که این فلسفه، توسط میلیون‌ها انسان جدا از هم که به اضطراب زندگی در دنیای مدرن پاسخ می‌دادند، به وجود آمده بود. مواجهه‌ی نخستین با هر صفحه از کارهای سارتر،

یاسپرز یا کامو، همچون مطالعه‌ی احساسات و تفکرات درونی انسان است که به گونه‌ای دقیق‌تر و عمیق‌تر بیان شده باشد.

اگزیستانسیالیسم از آن جهت نوعی فلسفه است که سال‌ها به‌دقت توسط کسانی که در رشته‌ی فلسفه آموزش دیده‌اند، طرح و بررسی شده است. در عین حال، و به شکل پایه‌ای‌تر، اگزیستانسیالیسم آن تغییر جهت در حالت و رفتار انسان عادی است که تمامی جنبه‌های زندگی را در تمدن ما دگرگون کرده است.

اگر بخواهیم از اسم اگزیستانسیالیسم برای تعریف این تفکر استفاده کنیم، این اسم نیز مانند اسم‌هایی که بشر به دیگر جنبش‌های مهم تفکر انسانی - چون رومانتیسم یا ترانسندنتالیسم (Transcendentalism) داده، بی‌مسماست. شاخه‌های اگزیستانسیالیسم به قدری مختلف و متنوع است که تعدادی از نویسندگان معتبر اگزیستانسیالیست، کاربرد این اسم را تحریم کرده‌اند. این نویسندگان انکار می‌کنند که اگزیستانسیالیست هستند و نمی‌پذیرند که به این هیجان عمومی وابسته‌اند. ولی در هر حال ما آنان را اگزیستانسیالیست خطاب می‌کنیم، و حق هم به جانب ماست، به شرط اینکه همه بر معنای این اسم اتفاق نظر داشته باشیم و آن را به عنوان اسمی عام به کار ببریم. از این گذشته، این اسم از هر اسم دیگری برای اطلاق به این تفکر برآورده‌تر است، چون تمام مفاهیمی را که به واسطه‌ی تمایلات متناقض این تفکر به یکدیگر ربط داده شده‌اند، دربر می‌گیرد.

اساس این تفکر موضوع جدیدی را مطرح نمی‌کند. ویلیام بارت (William Barrett) در کتاب معتبرش *انسان لا ابالی* (۱۹۵۸) نشان داده است که آنچه ما اکنون ضربه‌ی اگزیستانسیالیسم می‌نامیم، با اسطوره‌های ابراهیم و ایوب معاصر است؛ و در فلسفه‌ی قبل از سقراط یونانیان، در قصه‌های آشیل (Aeschylus) و یورپیدوس (Eurpides) و در عرفان جدیدتر یونان و بیزانتین، متبلور و آشکار است؛ همچنین رشته‌ای است که، به ندرت در صدر ولی اغلب در بطن رشد فرهنگی اروپایی مرکزی، به‌ویژه به عقیده‌ی کشیشانی چون آگوستین (Augustine)، عرفا و قدیسانی چون ابلارد (Abelard) و توماس (Thomas)، و بعدها فیلسوف برجسته پاسکال، اتصال می‌آفریند. ناگفته نماند که مکتب رومانتیسم نیز که یک قرن بعد از پاسکال، و به تأسی از او، اروپا را دربر گرفته، و همچنین تمامی پیشرفت مذهب و فلسفه در شرق، به‌خصوص در آثار بوداییان و قاییان، که اغلب نزدیک‌تر به‌وجود واقعی انسان بوده تا مناقشات منطقی غربیان، متأثر از این ضربه بوده است.

علی‌رغم تمام این تشابهات، نمی‌توان منکر شد که اگزیستانسیالیسم عنصری مدرن است. از آن رو که نیازهای انسان با تغییر زمان عوض می‌شوند، حقایق یکسان در تفکرات فلسفی متفاوت در طول زمان، شکل‌های مختلفی به خود می‌گیرند. آنچه ما امروز اگزیستانسیالیسم می‌نامیم، در تمام ابعاد فلسفی، مذهبی و هنری‌اش آشکارا از سه شخصیت قرن گذشته - قرن نوزدهم - سرچشمه گرفته است که دو تای آن‌ها فیلسوف هستند - سورن کی‌یرگارد (Soren